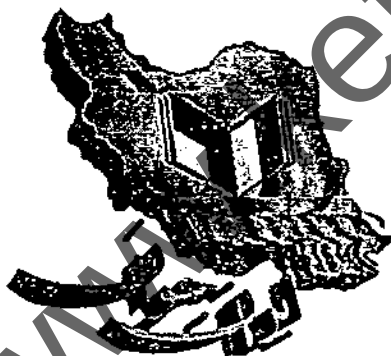


لطفعلی خان زند

حسین مسرور



انتشارات ایران جوان

فهرست

پیشگفتار	۵
اغتشاش و آشوب پس از فوت کریم خان	۱۱
وضع قبایل قاجار پیش از آقا محمدخان	۱۵
برادرکشی سران زند و شجاعت‌های لطفعلی خان در شهر یم	۲۱
شکست جعفرخان از آقامحمدخان و شروع خیانت حاج ابراهیم خان	۳۹
سرانجام حاج ابراهیم خان کلانتر شیراز	۴۵
محاصره کرمان توسط آقامحمدخان	۴۹
آقا محمدخان لطفعلیخان را دعوت به سازش و دوستی می‌کند	۵۳
گشودن دروازه‌های کرمان به اثر خیانت بعضی از نگهبانان	۵۵
وقایع یم و نرماشیر	۷۵
مقایسه‌ای از آخرین	۸۷
بازماندگان چند سلسله از زمان هخامنشیان تا عصر حاضر	۸۷
آقا محمدخان تهران را پایتخت قرار می‌دهد	۹۱
تاخت و تاز آقامحمدخان در گرجستان و قتل شاهرخ میرزا در خراسان	۹۳
قتل آقامحمدخان در قلعه شوش	۱۰۱
بررسی قسمتی از خصوصیات اولین پادشاه قاجار	۱۰۷
سرکشی و طغیان پس از قتل آقامحمدخان	۱۱۵
قیام صادق‌خان و محمدخان زند	۱۲۳
آشنائی با میهمان تازه وارد	۱۲۹
یک نابغه از طبقه سوم	۱۴۱

۱۵۳	شهر در حال آماده‌باش
۱۶۹	محمدخان قاجار
۱۷۱	مهر چهل نفر از بزرگان کرمان
۱۷۷	دختر کولی
۲۱۵	صبح ماهان
۲۲۷	در سایه نخلستان
۲۳۹	دلبر یا دل نیر
۲۴۷	تیغم برست، بختم نیرست

پیشگفتار

ضمن مطالعه کتب تاریخی به نظر رسید سرنوشت لطفعلی خان زند آنطور که باید و شاید تشریح نگردیده زندگی او تا آن درجه مبهم و تاریک است که حتی عکسی از نامبرده در دست نمی باشد لذا نگارنده بر آن شد این کتاب را به رشته تحریر درآورد.

این مجموعه سرگذشت دو سرداری است که یکی در مردم داری و رثوفت و مهربانی در ردیف برجسته ترین پادشاهان بشمار می آید که بیشتر مورخین درباره او چنین اظهار نظر کرده اند که چنانچه در مقابل حریف زورمند خود توفیق می یافت ایران را به پایه ای آنچنان بلند می رساند که قابل قیاس با دوره قاجار نبود دیگری در آدم کشی و خونخواری نظیر و هم مانند نداشت و برای استقرار حکومت در خاندان خود انواع شکنجه های سخت و عقوبت های دردناک را درباره مردم اعمال می کرد و از جمع سرهای بریده مناره های می ساخت و از کندن چشم ها حوض ها تشکیل می داد با این وجود عده ای از مورخین آقا محمد خان را با این همه ستمگری و خطا و خونریزی نظامی بزرگ می دانند و بر این عقیده اند روزگار هرج و مرج آنروز به چنین مردی قسی القلب احتیاج داشت در این کتاب آغاز مطلب با خصوصیات خاندان زند و قاجار شروع شده صحنه های جنگ دو طایفه تا سرحد امکان به طور خلاصه و از هم تفکیک درج گردیده و ضمناً صدماتی که جامعه ایرانی بر اثر تجاوز

و اعمال خلاف انسانی سربازان تحمل کرد در این مجموعه به اختصار ذکر شده است چنانچه در طی تاریخ مشاهده می‌شود بعضی از فرماندهان جهت اجرای فرامین خود به سربازان و عمل زیردست خود اجازه هرگونه تجاوز و تعدی را داده‌اند و آثار و نتایج حاصله از این اجازه حتی پس از انقراض همان فرماندهان نیز نمودار بوده است.

سرزمینی که ما در آن زندگی می‌کنیم از همان ابتداء گاهگاهی مرکز تاخت و تاز اقوام وحشی بوده غالباً دستخوش زورگویی و قتل و غارت گردیده روزگار پر آشوب فراوان داشته است منتهی در بعضی از ادوار تاریخ این تاخت و تازها و انقلابات مصادف با ظهور مردانی توانا و بلند همت چون نادر بوده که مدت زمانی کوتاه خرابیها و نابسامانی‌ها بجای خود را به پیشرفت و ترقی و سربلندی داده است و گاهی این دگرگونی‌ها باعث انحطاط کشور و رسیدن به پرتگاه سقوط بوده است چنانچه در زمان پادشاهان قاجار در حدود یک سوم خاک ایران از دست رفت و دشمنان این آب و خاک هر وقت ضعف و ناتوانی حکمرانان را احساس کردند چنین موقعیتی را مغتنم شمرده و قسمتی از مملکت را مجزا ساختند تا جائی که ایران را به دو منطقه نفوذ خود تقسیم کردند اما در مدت پنجاه سالی که خاندان زند بر ایران حکومت کردند به استثناء سال‌ها آخر که مصادف با قتل عام آقامحمدخان بود دوران آسایش و رفاه مردم بوده است کریم‌خان بنیان‌گذار این سلسله از افراد پائین ایران از قبایل بسیار کوچکی است که تنها تبحر و کاردانی و شجاعت او سبب غلبه او بر دشمنان این سرزمین گردید این سردار بزرگ با اغماض و خطاها و خوش رفتاری‌ها کینه جویان خودسر را بر سر مهر و محبت آورد از طرف دیگر هم‌مین مدارای با سرکشان و بوجود نیارودن تشکیلات منظم عواقب وخیم و تألمات ناگوار برای یازماندگانش به بار آورد خلاصه وضع آشفته بعد از کریم‌خانم درس عبرتی است برای برکنار ماندن آشوب و بلوا و جلوگیری از لجام گسیختگی اشخاص خودسر و پرهیز از بوجود آوردن یک فاجعه دردناک که ضرر آن متوجه فرد فرد مردم

است.

به هر حال قرن دوازدهم هجری را می‌توان دوران هجوم ایلات به شهرها و هرج و مرج و اغتشاش دانست زیرا هر صاحب نفوذی که کوچکترین توانائی در خود می‌دید برای بدست آوردن تاج و تخت دست خود را به خون نزدیکان خود آلوده می‌کرد و چنین دورانی مصادف است با آغاز سلطنت پراشوب شاهزاده لطفعلیخان زند که او را مواجه با طغیان و یورش و قتل و غارت‌های خوانین قاجار ساخت.

بوجود آمدن چنین وضعی در درجه اول معلول اختلافات خانمانسوز سران زند است که متأسفانه مردی توانا و با تجربه و بی‌غرض در میان آنها نبود تا از این نفاق‌ها و برادرکشی‌ها که منجر به خاتمه وضع آنها گشت جلوگیری کند این وضع تا آنجا ادامه پیدا کرد که پس از اینکه عده‌ای از جوانان زند در پیش چشم‌های شریار خان قاجار به هلاکت رسیده عده‌ای دیگر از ترس مجازات‌های وحشتناکی که در انتظارشان بود از این شهر به آن شهر و از این کشور به آن کشور سرگردان شدند و تنها سردار سرسخت لطفعلی‌خان در مقابل هجوم خوانین قاجار باقی ماند این جوان در طی دوران زد و خوردهای خود حوادثی مخوف و بستی و بلندی‌ها هراسناک را که هر لحظه ممکن بود به مرگش خاتمه پذیرد پشت سر گذاشت و با اراده‌ای قوی مافوق تصور و شجاعتی بی‌نظیر نتیجه حمله و یورش دشمنان را برای مدتی طولانی به تعویق انداخت و در میدان‌های نبرد چون طوفانی خروشان به قلب سپاه دشمن زد و دلاورانه جنگید و دریائی از سپاه را از هم گسیخت و همچنان جان بر کف نهاده در میان انبوه دشمن به پیشناز مرگ شتافت و از آنچه سرنوشت و تقدیر برایش تعیین کرده بود نهراسید.

این جوتن در بسیاری از خصائص سربازی و صفات نیکو بارقیان خود فرق کلی داشت برتری او را لحاظ شجاعت و کاردانی بر هیچکس پوشیده نیست تنها نقطه ضعف او نداشتن تجربه و نداشتن شخص معمر و دلسوز بود چه شاهان بعد از او در هر گرفتاری و بحرانی از حمایت مردانی بزرگ نظیر قائم مقام و امیرکبیر برخوردار

بودند ولی حاج ابراهیم خان کلاتر شیراز که تا اندازه‌ای با تجربه و صاحب نفوذ آن عصر بود این جوانرا نه فقط تنها گذاشت بلکه در عالم دوستی به درهم کوبیدن اساس استقلال سلطنت او مشغول گشت و به دشمنان او پیوست و در آن روزگار سپاه با چنین خیانتی ستاره درخشان خاندان زند را در وحشت و تاریکی فرو برد علت مخالفت این شخص چنانچه به تفضیل خواهد آمد متکی بر یک امر بیهوده و واهی و در عین حال جزئی بود بهانه او چنین است که چرا قاتلان پدر خود را که من وساطت عفو آنان را کرده بودم به قتل رساندی سرانجام این خیانت به آنجا خاتمه یافت که جوان زند مقطوع النسل شدن فرزند خردسالش را بدست دشمن شنید و سربازانی که برای تجاوز آماده کرده بودند تماشا کرد و آن لحظه‌ای که دو انگشت خونخوار قاجار برای نابینائی او به جلو صورتش نزدیک می‌شد نظاره کرد و منظوره صورت غرقه به خون خود را احساس نمود اما دیگر نتوانست آن خون را ببیند و تأسف او از آن جهت بود که در دم آخر نتوانست حتی مأمور قتل خود را بشناسد و بر چهره او نظاره کند این کتاب زندگی شجاعانه و تأسف بار رادمردی است که با عزت و سربلندی و ندادن تن به ذلت و خواری در عنوان جوانی یعنی بیست سالگی به نبرد با انبوه بی‌پایان دشمن پرداخت و با کسب افتخاری بزرگ با جامه‌ای گلگون و صورتی غرقه بخون به اسارت درآمد و پس از تحمل ناراحتی‌ها و چشیدن جور و ستم‌های بیش از حد به شهادت رسید.

چگونگی جنگ‌های دلاورانه این سردار جوان که با دویست سپاهی در آن عصر به جنگ بیش از بیست هزار نفر دشمن رفت شاهد زنده‌ایست بر نبوغ نظامی او و از عجایب نیروی نظامی و تحمل بردباری لطفعلی خغان اینکه پس از هر پیروزی یا شکستی مجدداً مصمم‌تر پای به میدان نبرد می‌گذاشت و با عزمی راسخ و اراده‌ای آهنین پای به رکاب می‌کرد و تا آخرین لحظه توانائی می‌جنگید منظره فجیع قتل او بدست بی‌رحم‌ترین اشخاص نه تنها در ثلب عموم مردم آن زمان تأثیری عمیق و دلخراش داشت بلکه بی‌گمان در حال حاضر هم با خواندن این سرگذشت ممکن

نیست شخص هر قدر هم بی احساس باشد از درجه از جان گذشتگی و سرنوشت
رقت باری که در سرتاسر دوران پرتلاش زندگی او بیچشم می خورد دچار اندوه و
ناراحتی نگردد.

www.ketab.ir

www.ketab.ir